

میراث نامه

پیامدهای بی توجهی به حوزه میراث

مجدالدین رحیمی

■ بی توجهی به حوزه میراث فرهنگی پیامدهای جبران ناپذیری به بار می‌آورد، با توجه به گستردگی مسوولیت‌های حوزه میراث فرهنگی کشور و لزوم توجه به حفاظت پیشگیرانه ضرورت دارد حساسیت آن مورد توجه دقیق مسوولان قرار گیرد. تبیین برنامه‌های حفاظتی به منظور صیانت و پاسداری مطلوب ارزش‌ها و یادگاران تاریخی امری بسیار مهم و زمانمند است. عدم توجه به‌موقع به مبحث حفاظت پیشگیرانه میراث فرهنگی را با مساله مواجهه می‌کند.

در موارد بسیار زیادی مشاهده شده است که مساله‌های پیشی آمده در حوزه میراث فرهنگی به طور مطلوب مورد بررسی قرار نگرفته و در اثر بی‌توجهی بحران ایجاد شده است. با یک مثال ساده این موضوع را شفاف‌تر می‌کنم، به طور مثال پاکسازی بام و تمیز کردن مسیر ناودان‌ها در بناهای تاریخی و موزه‌ها یکی از اولیه‌ترین اقداماتی است که می‌تواند حفاظت پیشگیرانه معرفی شود. در صورت عدم توجه به این موضوع بسیار ساده و پیشی پا افتاده شاهد این خواهیم بود که شاخه و برگ درختان، گرد و خاک، فضولات و پر پرندگان؛ ... موجب می‌شود مسیر ناودان‌ها مسدود شود. در فصل بارندگی به دلیل گرفتگی مسیر ناودان شاهد بروز آب‌گرفتگی در بام خواهیم بود. متأسفانه تا زمانی که تأثیرات مخرب آب‌گرفتگی بر کالبد ساختمان نمایان نشود متوجه نمی‌شوند که ناودان مسدود شده است. حال به دلیل بی‌توجهی به همان موضوع پیش پا افتاده پاکسازی بام و مسیر ناودان‌ها شاهد تأثیرات مخرب نفوذ رطوبت به بخش‌های مختلف ساختمان خواهیم بود که خود مساله بسیار بزرگی ایجاد می‌کند. برخی مواقع این بی‌توجهی موجب می‌شود، نتوان مسیر ناودان را باز کرد و مساله دفع روان آب‌های ناشی از نزولات جوی برای آن ساختمان بحران ایجاد می‌کند که یا شیب‌بندی ساختمان را تغییر داده‌اند یا مسیر عبور ناودان را شکافته‌اند یا ناودان جدید به صورت روزگار الحاق کرده‌اند. مشاهده شده است به دلیل همین امر بخش‌هایی از سقف بسیاری از مهم‌ترین موزه‌های کشور دچار آسیب شده و هزینه‌های بسیار گرانی به بار آورده است.

تشکیل تیم‌های حفاظت پیشگیرانه در بناهای تاریخی و موزه‌ها در هر استان، بسیار ضروری است. این تیم‌ها می‌توانند با رصد دقیق و مانیتورینگ مداوم و بررسی تخصصی وضعیت موجود بناها، محوطه‌ها و موزه‌ها، اقدامات لازم را در خصوص حفاظت پیشگیرانه به عمل آورده و در صورتی که حجم عملیات مربوطه از توان عملیاتی آنها خارج باشد نسبت به تدوین دقیق و صحیح شرح خدمات مربوطه یا طی مراحل قانونی انجام امور را به پیمانکاران یا مشاوران واجد صلاحیت بسپارند. نکته بسیار مهم و فراموش شده حوزه میراث فرهنگی همین امر است که تصور می‌شود با فرایند تغییر سیستم عملکردی در حوزه حفاظت و مرمت صرفا با استفاده از پیمانکار امور مربوطه محقق می‌شود. خبر، اینچنین نیست و ضرورت دارد مسوولان محترم این موضوع را درک کنند که تمامی امور مربوط به حفاظت و مرمت را در حوزه میراث فرهنگی نمی‌توان از طریق واگذاری به بخش خصوصی انجام داد.

ضرورت دارد در تشکیلات سازمانی معاونت میراث فرهنگی کشور بخش اجرایی حفاظت پیشگیرانه تشکیل شود. این بخش از تشکیلات را افرادی در اختیار داشته باشند که دارای تخصص و توان علمی کاربردی هستند تا ضمن درک صحیح موضوعات و مساله‌های مختلف فنی توان اجرایی هم داشته باشند.

این به آن معنی نیست که دوباره سازمان میراث فرهنگی همچون ۲۰ سال پیش اقدام به جذب نیروی مرمتی کند، بلکه به آن معنی است که تیم‌های تخصصی در تشکیلات دولتی این سازمان تشکیل شوند که به طور مداوم عملیات مربوط به حفاظت پیشگیرانه و مانیتورینگ و رفتارشناسی وضعیت موجود بناهای تاریخی، موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی را رصد کرده و عملیات مربوطه را انجام و در صورت نیاز به تیم‌های بزرگ‌تر اقدامات مربوطه را تدوین و با تعیین ضرب‌الاجل جهت ارجاع به پیمانکار یا مشاور بخش خصوصی ارایه کنند.

تصور اینکه کارشناسان حوزه معاونت میراث فرهنگی استان‌ها این امر را انجام می‌دهند، اشتباه است. حجم گسترده مسوولیت‌های کارشناسان حوزه میراث فرهنگی و نوع قیراراد و وظایف محوله به کارکنان این بخش از تشکیلات، این امر را محقق نمی‌کند و ضرورت دارد تشکیلات سازمان و تجهیزات خاص خود را برای این امر مهم در نظر گرفت. مبدا که به بهانه کوچک‌سازی دولت و کم اهمیت بودن ایسن موضوع به آن بی‌توجهی کنیم و ننگ و نفرین نسل‌های بعد و گذشتگان را بر خود جاری کنیم، به امید بهبودی و بهروزی و با آرزوی توفیق الهی برای تمامی خادمان حوزه میراث‌فرهنگی.

«کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، هنرمند پایه سه رشته مرمت بناهای تاریخی و هنرمند پایه سه مرمت سنگ»

ساخت آپارتمان‌های روستایی بدون ملات در اورامانات

فروغ صادقی

به الان نگاه نکنید که هیچ شهر و روستایی به لحاظ معماری هویت مشخص و قابل اعتنائی ندارد، پیش از این و به گواه تاریخی، در هر گوشه‌ای از ایران معماری هر نقطه‌ای برگرفته از اقلیم، فرهنگ و جنس مصالح در دسترس اهالی آنجا بود. در یزد تاریخی ساختمان‌های خشتی و پنجره‌های هلالی با بادگیرهایی که سر به آسمان می‌ساییدند آنجا را از هر نقطه دیگری در ایران و جهان متمایز می‌کرد، همین‌طور در کاشان، تهران، شیراز، رشت و اصفهان و حتی بسیاری از روستاهای قدیمی، با نگاهی به ساختمان‌های هر منطقه از روی نشانه‌ها و ویژگی‌های آن، هر کسی می‌توانست تشخیص دهد که اینجا کجاست.

معماری یکی از ویژگی‌های متمایزکننده اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها از هم بود. ایرانیان هم در معماری و افزودن بر جذابیت‌های ساختمان‌ها چه به لحاظ منطقی و چه به لحاظ قابل سکونت‌تر کردن آنها در زمان خود چیره‌دست بودند و از سرآمدن روزگار، چرخ زمانه اما چرخید و ما به دوره صنعت و کارخانه‌های بی‌حساب و کتاب افتادیم. حالا سال‌هاست در هر گوشه‌ای از این سرزمین پهن‌آور، فرقی نمی‌کند اقلیم کویری باشد مثل یزد و سمنان، یا نمناک و همیشه بارانی مثل رشت و Gilan، یا کوهستانی باشد و با زمستان‌هایی سرد مثل شهرکرد و یاسوج، یا در حاشیه یا متن خلیج‌فارس افتاده باشد مثل بوشهر و بندرعباس و جزیره‌ها، یا در هر کجای دیگری از این خاک، ساختمانی نو از دل زمین سربر می‌آورد بی‌توجه به اقلیم و فرهنگ و تاریخ و مصالح بومی همه و همه شبیه هم هستند، از مدل نقشه‌ها بگیر تا مصالح و نمای بنا.

دست یکسان‌ساز مدرن‌تیه معیوب و ناقص بر سر همه شهرها و روستاهای ایران کشیده شده. حالا به ریخت همه شهرها و روستاهای ایران که نگه کنی انگار همه محصول یک کارخانه واحد هستند! کارخانه‌ای با تولیدیاتی انبوه به گستره همه ایران.

با این همه هنوز در اندک نقاطی از کشور رگه‌هایی از معماری‌های زیبای تاریخی دیده می‌شود. روستای اورامان در قلب کوهستان‌های سخت‌گذر و بکر کردستان از آن دسته نقاط است؛ روستایی پلانی‌که که در کمر کش کوهی با شیب تند ساخته شده است. در بالادست روستا قله کوه است و در پایین دره‌ای عمیق که رودی کوچک

پیچ‌پیچ آن را طی می‌کند و می‌گذرد.

اورامان و اورامانی‌ها به دلیل سخت‌گذر بودن راه‌های روستا از دیرباز در همه چیزشان مستقل بودند. زمستان‌های سرد چنان برف سنگینی بر شانه‌های کوه‌ها می‌نشاند که ارتباط آن با نزدیک‌ترین شهرها و روستاهای اطراف گاه تا ماه‌ها بسته می‌ماند. همین اقلیم خشن و جدی هم از کردهای اورامانی مردمانی خودکفا و مستقل ساخته است. آنها برای تهیه پوشاک و خوراک و سرپناه هیچ تزاری به بیرون از روستا نداشتند. همه چیز همانجا و با امکانات و مصالح بومی تولید می‌شد.

در اورامان ساختمان‌های روستا با مصالح بومی که چیزی جز سنگ نیست، ساخته می‌شوند. معماران اورامانی بناهای خود را تنها با سنگ‌های برداشت‌شده از کوه و بدون استفاده از هیچ مصالحی دیگر جز چوب که برای برافراشتن سقف و کاشتن در و پنجره‌هاست، می‌سازند. با همین روش ساخت در بافت قدیمی و اصیل این روستای زیبا ساختمان‌هایی ساخته شده که تا چهار طبقه ارتفاع دارند و سال‌هاست بدون هیچ مشکلی سربناه خانواده کردهای اورامان است.

معماری بومی و سنتی در روستای اورامان مبتنی بر استفاده از سنگ به صورت خشکه‌چین و بدون به‌کارگیری هرگونه ملاتی است. کارشناسان معتقدند با توجه به شباهت این معماری به شیوه ساختمان‌سازی با سنگ و بدون ملات در زمان هخامنشیان می‌توان معماری اورامانی را مرتبط با معماری عصر هخامنشیان دانست.

روستای اورامان در ارتفاعات استان کردستان یکی از روستاهای محبوب گردشگران از گذشته تاکنون بوده است. این روستا چندی پیش از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان روستای هدف گردشگری انتخاب و معرفی شد. همین مساله نیز موجب روانه شدن سیل بیشتر گردشگران به اورامان شده است.

ساکنان این روستا خانه‌های خود را در شیب تند کوه‌های اورامانات ساخته‌اند، به گونه‌ای که بام هر خانه حیاط خانه دیگری است؛ درست مشابه معماری روستای ماسوله. از همین‌رو نیز برخی این روستا را هزار ماسوله می‌گویند چراکه در نقاط مختلف منطقه اورامان و با فاصله‌های نزدیک به هم روستاهایی هست که با همین شیوه معماری ساخته شده‌اند.

اصلی‌ترین مصالح ساخت‌وساز در این روستا از گذشته‌های دور تاکنون تنها سنگ بوده است. معماران خوزه‌ذوق اورامانی سنگ‌ها را به روش خشکه‌چین و بدون استفاده از ملات و به شیوه‌ای دقیق و ظریف روی هم گذاشته و خانه‌های خود را می‌ساختند.

هم‌اکنون در بافت این روستای زیبا خانه‌های سه و چهارطبقه هست که با ارتفاع حدود ۱۵ متر به همین شیوه ساخته شده‌اند. این خانه‌ها در طول سال‌ها با وجود بارش‌های سنگین برف و باران در منطقه هیچ‌گاه دچار مشکل نشده‌اند.

به گزارش خبرگزاری میراث «کاک رحمان»، یکی از معماران و بنیان روستای اورامان است، او ۵۸ سال سن دارد و به گفته خودش حدود ۴۰سال است به کار بنایی در روستا مشغول است.

کاک رحمان این نوع معماری را به شکل تجربی و نزد پدر خود فراگرفت. او در رابطه با شیوه معماری و

میراث

ردپای معماری هخامنشی در کردستان

ساخت آپارتمان‌های روستایی بدون ملات در اورامانات

فروغ صادقی



نمونه‌ای از معماری اورامانی/ عکس‌ها: شرق

خانه‌سازی در روستا می‌گوید: «تا سنگ مورد نیاز را از کوه‌های همین منطقه جمع‌آوری می‌کنیم و با استفاده از تیشه به شکل مناسب تراش می‌دهیم، دیوارهای باربر و بیرونی بنا طول ۶۰سانتی‌متری و دیوارهای داخلی ساختمان معمولاً ضخامت کمتری دارند.» کاک رحمان می‌افزاید: «با بالا رفتن ساختمان سقف را با استفاده از چوب و تخته‌هایی که باز هم از درختان باغ‌های همین روستا تامین می‌شود، می‌گذاریم، دیوارهای داخل خانه را هم با استفاده از گل می‌پوشانیم. پنجره‌های ساختمان نیز چوبی است و در همین روستا توسط نجارهایی که در روستا زندگی می‌کنند، ساخته می‌شود»

این معمار سنتی در پاسخ به سوالی در رابطه با امنیت کوهی با شیب تند ساخته شده است. در بالادست روستا قله کوه است و در پایین دره‌ای عمیق که رودی کوچک

پیچ‌پیچ آن را طی می‌کند و می‌گذرد.

اورامان و اورامانی‌ها به دلیل سخت‌گذر بودن راه‌های روستا از دیرباز در همه چیزشان مستقل بودند. زمستان‌های سرد چنان برف سنگینی بر شانه‌های کوه‌ها می‌نشاند که ارتباط آن با نزدیک‌ترین شهرها و روستاهای اطراف گاه تا ماه‌ها بسته می‌ماند. همین اقلیم خشن و جدی هم از کردهای اورامانی مردمانی خودکفا و مستقل ساخته است. آنها برای تهیه پوشاک و خوراک و سرپناه هیچ تزاری به بیرون از روستا نداشتند. همه چیز همانجا و با امکانات و مصالح بومی تولید می‌شد.

در اورامان ساختمان‌های روستا با مصالح بومی که چیزی جز سنگ نیست، ساخته می‌شوند. معماران اورامانی بناهای خود را تنها با سنگ‌های برداشت‌شده از کوه و بدون استفاده از هیچ مصالحی دیگر جز چوب که برای برافراشتن سقف و کاشتن در و پنجره‌هاست، می‌سازند. با همین روش ساخت در بافت قدیمی و اصیل این روستای زیبا ساختمان‌هایی ساخته شده که تا چهار طبقه ارتفاع دارند و سال‌هاست بدون هیچ مشکلی سربناه خانواده کردهای اورامان است.

معماری بومی و سنتی در روستای اورامان مبتنی بر استفاده از سنگ به صورت خشکه‌چین و بدون به‌کارگیری هرگونه ملاتی است. کارشناسان معتقدند با توجه به شباهت این معماری به شیوه ساختمان‌سازی با سنگ و بدون ملات در زمان هخامنشیان می‌توان معماری اورامانی را مرتبط با معماری عصر هخامنشیان دانست.

روستای اورامان در ارتفاعات استان کردستان یکی از روستاهای محبوب گردشگران از گذشته تاکنون بوده است. این روستا چندی پیش از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور به عنوان روستای هدف گردشگری انتخاب و معرفی شد. همین مساله نیز موجب روانه شدن سیل بیشتر گردشگران به اورامان شده است.



نمونه‌ای از معماری اورامانی/ عکس‌ها: شرق

گزارش خبری

ردپای دایناسورها در دره نیزار کرمان

■ مهر: شمال کرمان به‌خصوص دره نیزار و دشت خاک مملو از آثار به جای‌مانده از دوران ژوراسیک است که مشهودترین این آثار، ردپای دایناسور عظیم‌الجثه در ده علیرضا محسوب می‌شود که به دلیل بی‌توجهی در نگهداری در حال نابودی است. شمال استان کرمان از منظر دیرینه‌شناسی به بهشت دیرینه‌شناسان شهرت یافته و مملو از معادن زغال‌سنگ و لایه‌های زمین‌شناسی کهن از دوران قبل از تاریخ است همین امر موجب شده آثار به جای‌مانده از دایناسورها و موجودات هم‌عصر با آنان در این استان به صورت مشهود دیده شود به‌طوری‌که در بسیاری از خانه‌های اهالی منطقه نمونه‌های بی‌نظیری از فسیل‌های دایناسور کشف می‌شود و شگفت آنکه تاکنون هیچ اقدامی برای مستندسازی و معرفی این پتانسیل غنی علمی صورت نگرفته است.

طی سال‌های اخیر کاوش‌های صورت گرفته توسط یک تیم ایرانی – برزیلی آثاری از این جانوران را نمایان کرد که بنا به گفته کارشناسان در جهان بی‌نظیر است که از آن جمله می‌توان به ردپای عظیم‌الجثه دایناسور در ده علیرضا اشاره کرد که متأسفانه به دلیل عدم نگهداری و ثبت نشدنش در فهرست آثار ملی به وسیله افراد سودجو در حال تخریب است به‌طوری‌که دو انگشت پای این جانور باقی مانده و بقیه تخریب شده است.

پیش از این نیز گروهی متشکل از کارشناسان برزیلی و ایرانی در همین منطقه کاوش‌هایی صورت دادند که زمان آن به ۲۰ سال قبل بازمی‌گردد و در این تحقیق اسکلت یک دایناسور کشف شد که در همان زمان به موزه تاریخ طبیعی پاریس انتقال یافت. همچنین طی سال‌های اخیر نیز قطعه سنگی به صورت اتفاقی در حوضخانه‌ای در دشت خاک پیدا شد که شامل ردپای ۱۵ دایناسور کوچک که همراه یک رد پای یک دایناسور بزرگ بود.

شگفت آنکه این تخته سنگ که از ارزش علمی بالایی برخوردار است، توسط صاحبخانه در دشت‌های اطراف روستای دشت خاک پیدا شده و سود و از آن به عنوان دیواره حوضخانه استفاده می‌شد، پس از آنکه دهیار روستا به صورت اتفاقی این تخته‌سنگ را مشاهده و به سازمان زمین‌شناسی گزارش کرد، کارشناسان ارزش علمی آن را تأیید کردند و به سازمان زمین‌شناسی کرمان منتقل کردند.

اما نمونه‌های کم‌نظیر دایناسورها را می‌توان در جای دیگری هم دید. گنجینه‌ای مشتمل بر ۲۰۰هزار قطعه فسیل شده از دایناسورها و موجودات هم‌عصر با آنان که زمانی در موزه دیرینه‌شناسی کرمان گرد هم آمده بود و البته به شدت بی‌دلیل اختلافات اطراف پیش آمده موزه تعطیل و این فسیل‌ها نیز هم‌اکنون در انبار نگهداری می‌شوند.

در این گنجینه می‌توان مجموعه‌ای از تخم دایناسورها را دید که به شکل تعجب‌آوری به سنگ تبدیل شده‌اند و حتی زرده و سفیده تخم این جانوران نیز در برش تخم‌ها قابل رویت است. در موزه دیرینه‌شناسی دشت خاک نیز که به همت مردم روستا در محل حمام قدیمی این روستا راه‌اندازی شده است، استخوان عظیم‌الجثه یک دایناسور نگهداری می‌شود و همه این شواهد درحالی است که جای یک تحقیق علمی معتبر درخصوص این جانداران در کرمان همچنان خالی است.

محمد صالحی، فعال دیرینه‌شناسی درخصوص رد پای دایناسور در روستای ده علیرضا در شهرستان زرند اظهار داشت: این ردپا شامل یک ردپای عظیم‌الجثه روی یک تخته سنگ است که به صورت مایل قرار گرفته است و هیچ نگهداری از آن صورت نمی‌گیرد. وی افزود: می‌توان گفت در ایران شمال اختصاصی داده بودند، می‌ریزند.

با این تفاوت که زباله‌های تولیدی سنتی در این روستا همه قابل بازیافت بود و ضرری بر محیط‌زیست نداشت، چراکه بخش عمده‌ای از این زباله‌ها با کود حیوانی بود یا پس‌مانده غذاها. باز شدن راه روستا به شهر و ورود اقلام و محصولات مدرن به اورامان اما جنس زباله‌ها را هم تغییر داد. حالا اینجا هم زباله‌ها تفاوتی با زباله‌های شهری ندارد. پلاستیک و نایلون و پوست یفک و چیپس و بطری نوشابه و دوغ در اورامان بخش عمده‌ای از زباله‌های تولیدی است، این زباله‌ها اما مثل سابق در طبیعت جذب نمی‌شوند. همین هم شکل زباله‌دانی‌های روستا را تغییر داده و به آن آسیب زده است.

علاوه بر این برخی اهالی و گردشگران هم زباله‌های خود را با خیال راحت و آسوده به ته دره‌ای که در پایین دست روستاست پرتاب می‌کنند و حالا این دره زیبا به زباله‌دانی بزرگ بدل شده است، اگر وضع به همین منوال پیش برود بعید نیست این دره طبیعی به یکی از معضلات زیست‌محیطی بزرگ اورامان بدل شود.

معماری اورامانات و سرسبزی این منطقه کوهستانی، رویای پله‌هایی به سمت آسمان را تصویر می‌کند. خانه‌های این روستا با سنگ و اغلب به صورت خشکه و به صورت پلکانی ساخته شده‌است. مردم منطقه معتقدند اورامانات تخت زمانی شهری بزرگ بوده و مرکزیتی خاص داشته به همین دلیل از آن به عنوان تخت یا مرکز حکومت ناحیه‌ای اورامان یاد می‌کرده‌اند.

این روستا در دره‌ای شرقی – غربی و در شیب تندى روبه‌روى يال شمال کوه تخت واقع شده‌است. به غیر از وضعیت خاص روستا از نظر معماری، موقعیت چشمه‌های پرآب، مراسم خاص و آداب و رسوم و وجود مقبره و مسجد پیر شالیار و به‌ویژه جمعیت و تعداد سکنه قابل توجه آن نشانگر اهمیت منطقه از زمان ساسانی است.